مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال اول، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۷-۱۵۸

بازشناسی نقش فیلم مستند در آموزش تاریخ

ویدا همراز*

چکیده

تاریخ مجموعه‌ای سترگ دربارهٔ زندگی اقوام و ملت‌های گوناگون در گذر زمان است. ملت‌ها می‌کوشند با حفظ دانش تاریخی و انتقال آن به نسل‌های بعد هویت خود را پاس دارند. اما ماهیت غیرعینی تاریخ و انقطاع زمانی میان گذشته و حال رویدادهای تاریخی را برای نسل امروز تجربه‌ناپذیر می‌سازد که این حفظ و انتقال دانشِ تاریخی را دشوار می‌کند. در نظام‌های آموزشی جدید، هدف از آموزش تاریخ به‌خاطرسپردن اسامی متعدد نیست، بلکه تقویت قدرت تحلیل افراد از رویدادهای تاریخی و بررسی تأثیر آن در زندگی امروز جوامع انسانی است. بر این اساس، یافتن راه‌های بهتر در آموزش تاریخ و آسیب‌شناسی شیوه‌های کنونی آموزش تاریخ یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علوم انسانی است و همواره مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. یکی از موضوعات مؤکد در آموزش تاریخ به‌کارگیری انواع رسانه‌ها برای کمک به درک بهتر مخاطبان از موضوعات درسی است، اما متأسفانه آموزش تاریخ در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است. فیلم یکی از ابزارهایی است که می‌تواند به انتقال اطلاعات به مخاطبان و بازسازی گذشته در ذهن آنان کمک کند. در میان انواع فیلم‌ها، گونه‌های مختلف فیلم مستند به لحاظ اتکا بر واقعیات و منابع متقن یکی از بهترین ابزارهای آموزش تاریخ و بازنمایی رویدادهای گذشته برای مخاطبان است. این مقاله براساس نظریه‌های رایج در دو حوزهٔ فیلم‌های مستند و آموزش نوین در جست‌وجوی بازشناسی جایگاه و اهمیت فیلم مستند در آموزش تاریخ و با هدف مطالعهٔ بین‌رشته‌ای در دو حوزهٔ تاریخ و هنر نگاشته شده است. در این مقاله تأکید شده که استفاده از هرگونه فیلم و تصویر متحرک که براساس واقعیت ساخته‌شده

* استادیار دانشکدهٔ صدا و سیما viham44@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۷/ ٦/ ۱۳۹۰، تاریخ پذیرش: ۲۲/ ۸/ ۱۳۹۰

نیازمند شناخت اولیهٔ استادان و آموزگاران از انواع فیلم مستند و کاربردهای آموزشی آن دربارهٔ تاریخ اجتماعی و سیاسی کشورهای گوناگون است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، آموزش تاریخ، فیلم مستند، رسانه‌های آموزشی.

مقدمه

آموزش تاریخ به مفهوم معرفی راهکارهای شناخت احوال و سرگذشت جوامع (اقوام و ملت‌ها) براساس مدارک، اسناد، اخبار، آثار تاریخی، و شیوهٔ بررسی علمی آن‌هاست. تدریس بخشی از آموزش و شامل مجموعه‌ای از تدابیر و فعالیت‌های منظم است که استاد یا معلم برای رسیدن به هدف خود با توجه به وضعیت و امکانات اتخاذ می‌کند (شعبانی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). در ساده‌ترین تعریف، شاید آموزش تاریخ شامل یادگیری و به‌خاطرسپردن اسامی افراد و اماکن تاریخی و زمان وقوع رویدادهای گوناگون به‌نظر برسد، اما این تعریف، در واقع، تاریخ را به گاه‌شماری محدود می‌کند، درحالی‌که با تأکید بر این نکته که آموزش تاریخ هدفی والاتر دارد و آن شناخت تاریخ و بازسازی و عرضهٔ مجدد آن به انسان‌های معاصر برای درک بهتر وقایع و تحولات کنونی است با مفهومی جدید به نام «تاریخ زنده» روبه‌رو می‌شویم. در این مفهوم، بازسازی و عرضهٔ مجدد گذشته در حال مورد توجه است. در این نگاه به آموزش تاریخ، هر آنچه به بازسازی سیمای جوامع گذشته کمک کند به کار آموزگاران و فراگیران تاریخ می‌آید. بنابراین، تدریس تاریخ نیز باید از روش‌های سنتی فاصله بگیرد و با هدف‌گذاری جدید، از همهٔ ابزارها و امکانات مؤثر برای بازسازی رویدادهای گذشته بهره‌برداری کند.

آموزش تاریخ به کمک فیلم مستند

آموزش فرایندی است که به دگرگونی مطلوب در فراگیران کمک می‌کند (امیرتیموری، ۱۳۷۷: ٢٤). رابرت گیلرز در الگوی عمومی تدریس، که در سال ۱۹٦۱ آن را عرضه کرد و در سال ۱۹۷۱ راجرز و رابینسون آن را بسط دادند، پنج مرحله در فرایند تدریس مشخص کرده است. او انتخاب روش و وسایل تدریس را براساس محتوا و مخاطبان از مهم‌ترین مراحل الگوهای تدریس موفق می‌داند (شعبانی، ۱۳۸۲: ۲۲۰). تدریس موفق به معنای کمک‌کردن به خوب یادگرفتن مخاطبان است و در این راه انتخاب ابزار و روش آموزشی متناسب با هر موضوع اهمیت دارد. در نظام‌های آموزشی جدید بر واقع‌بینی و پرورش ذهن

فراگیران با عینیت‌های پیرامون تأکید شده است. اما پرسش اساسی این است که، در تدریس موضوعات تاریخی مربوط به گذشته و دسترس‌ناپذیر چه باید کرد و از چه ابزارهایی می‌توان کمک گرفت؟

آموزش تاریخ به افراد در سن‌های مختلف و با اهداف کاربردی متفاوت انجام می‌شود. اما آنچه در این مقاله مورد توجه خاص قرار گرفته استفاده از فیلم برای آموزش کلی تاریخ و برای مخاطبان در گروه‌های سنی مختلف است.

گذشته از آن‌که تاریخ را فقط یک درس در مجموعهٔ دروس مقاطع تحصیلی و یا یک رشتهٔ تحصیلی دانشگاهی در نظر آوریم، تقریباً همهٔ استادان و فراگیران تاریخ در این نکته اتفاق نظر دارند که امروزه بازنگری در روش‌های آموزش تاریخ ضروری است. یکی از قدیمی‌ترین روش‌های انتقال اطلاعات تاریخی به نسل‌های بعد روایتگری است که در اکثر جوامع مورد توجه بوده است. در این روش، تاریخ به‌منزلهٔ حکایت و داستان زندگی ملل و اقوام بیان می‌شود و می‌توان گفت، اگرچه به‌تنهایی برای آموزش تاریخ کافی نیست، قطعاً در برانگیختن شور و شوق اولیه برای مطالعهٔ جدی تاریخی مفیدترین روش محسوب می‌شود. در روایتگری قطعات و اجزای مختلف دربردارندهٔ اطلاعات گذشته به‌گونه‌ای هدفمند کنار هم قرار می‌گیرند. تکرار این روایت‌ها برای مخاطبان به انباشت مجموعه‌ای از اطلاعات تاریخی کمک می‌کند، اما باید توجه داشت که این اطلاعات به سامان‌دهی و نظم نیاز دارند تا در شکل‌گیری بینش تاریخی مخاطب مؤثر واقع شوند. با این حال، برای تحریک علاقهٔ مخاطبان به مطالعات عمیق‌تر، امروزه بسیاری از کشورهای جهان برای آموزش تاریخ به کودکان قبل از دبستان از این روش بهره می‌گیرند.

در تدریس تاریخ، سال‌ها روش سخنرانی یگانه راه گزارش و انتقال اطلاعات تاریخی به مخاطبان بود که متأسفانه این روش در بسیاری از موارد موجب خستگی و ملال و حتی انزجار فراگیران می‌شد. استاد پیام‌دهنده و شاگردان پیام‌گیران بودند؛ شیوه‌ای یک‌سویه که در آن فراگیر نقشی غیرفعال داشت. این شیوهٔ معلم‌محور یا موضوع‌محور دیگر چندان مورد توجه نیست. اگرچه برای این روش محاسنی چون فرصت کافی برای انتقال تجارب و دانش استاد به شاگردان و یا تقویت حس شنوایی و جلب توجه سریع به موضوع اصلی درس را برشمرده‌اند، اما، به‌علت مشارکت‌نکردن فعال در امر آموزش در این روش و نیز متکی‌بودن بر یک حس از مجموعه حواس، شاگردان مطالب را به‌زودی فراموش می‌کنند. محدودیت زبان در حکم رسانهٔ آموزشی در آن است که اطلاعات از طریق نظام نمادینی که مستلزم

دانشی گسترده دربارهٔ آن رسانه است منتقل می‌شود. اگر اطلاعات مورد نظر گوینده خارج از توانش مخاطب یا شنونده باشد، شنونده آن را فقط به تناسب دانش خود تفسیر خواهد کرد و بقیه را درنخواهد یافت. به همین علت، میزان گیرایی و ماندگاری اطلاعاتی که شفاهی و با ابزار زبان به مخاطبان عرضه می‌شود محدود است. از دیگر روش‌های تدریس روش چندحسی است که هم‌زمان حواس بینایی، شنیداری، و دیگر حواس را درگیر می‌کند. محققان تأکید دارند که حس‌های مختلف در یادگیری سهم یکسان ندارند. بیش از ۷۵ درصد از یادگیری ما از طریق دیدن و ۱۳ درصد آن از طریق شنیدن صورت می‌پذیرد (احدیان، ۱۳۸۲: ٦٦). پس، آشکار است که روش سنتی سخنرانی در آموزش تاریخ تا چه اندازه ناکارآمد بوده است، اما می‌توان با روش‌های دیگر و استفاده از ابزارهای جدید با درگیرکردن حواس مختلف فراگیران به نتایج بهتر دست یافت (امیرتیموری، ۱۳۷۷: ٢٤). از رسانه‌ها می‌توان به دو روش استادمحور و روش فعال استفاده کرد (پورشه، ۱۳٦٦: ۵۹). البته، در بحث از کاربردهای رسانه‌ها در آموزش، تفاوت‌های انواع رسانه‌ها در تکنولوژی، نظام‌های نمادی، ویژگی‌های ذاتی و وضعی، اثرها، و میزان اثربخشی اهمیت بسیار دارد.

در مبحث آموزش، دربارهٔ استفاده از انواع فیلم، که رسانه‌ای تصویرمحور است (صرف‌نظر از سبک و شیوهٔ ساخت آن)، سه دیدگاه عمده وجود دارد:

۱. دیدگاه روان‌شناختی که زادهٔ کاربرد روان‌شناسی ذهن و ادراک و هنر در مورد فیلم است و رودلف آرنهایم یکی از اشخاص برجستهٔ طرفدار این دیدگاه است. نگرش آرنهایم، که بر برتری دیدار بر شنیدار تأکید دارد، بر انواع دلایل جامعه‌شناختی و علمی استوار است.

۲. دیدگاه دوم پروردهٔ منتقدانی است که غالباً فیلم‌ساز حرفه‌ای‌اند و از منظر جایگاه فیلم در جامعه به آن می‌پردازند و افرادی چون گودار و متز در فرانسه و جین یانگ بلاد، مؤلف کتاب *سینمای گسترده در امریکا*، از آن جمله‌اند.

۳. دیدگاه معلمان فیلم‌ساز که با فیلم می‌آموزند و می‌آموزانند. این دیدگاه به‌طور خاص از دههٔ ۱۹٦۰ از انگلستان ریشه گرفت و رفته‌رفته در اکثر کشورها طرفدارانی یافت. سازمان یونسکو نیز با این رویکرد اقدامات جدی برای آموزش کاربردی فیلم در امر سوادآموزی برنامه‌ریزی کرده است (اولسون، ۱۳۷۷: ۳۷۲). اگرچه هر یک از این دیدگاه‌ها موضوع نقدهای متعدد بوده است که از حوصلهٔ این مقاله خارج است، این موضوع که فیلم یک وسیلهٔ ارتباطی است مقبول همگان است. اما باید بدانیم که فیلم را چگونه تدریس کنیم و با فیلم چه چیزهایی را به مخاطبان آموزش دهیم.

در گذشته روش‌های صرفاً کلامی آموزش مورد توجه بود، ولی امروزه یادگیری از راه نمادها و گرفتن اطلاعات رمزگذاری‌شده رواج یافته است. اولسون و برونر در بحث دربارهٔ یادگیری از راه تجربه و رسانه سه نوع یادگیری را براساس نوع تجربیات افراد برای گرفتن و گردآوری اطلاعات برمی‌شمارند (همان: ۱۸۷):

۱. تجربهٔ مستقیم، مانند سفر به یک کشور برای اطلاع‌یافتن از شیوهٔ تغذیهٔ مردم آن کشور و یا آداب و رسوم آن‌ها.

۲. یادگیری از طریق تجربهٔ واسط، مانند آن‌که با دیدن مردی خمیده زیر بار به سنگینی بار او پی ببریم.

۳. گرفتن اطلاعات از طریق رمزگشایی از نمادها، مانند اطلاعاتی که رسانه‌های گوناگون چون کتاب، رادیو، فیلم، و عکس عرضه می‌کنند و یادگیری از راه همین نظام‌های نمادین است که به‌سرعت جانشین تجربهٔ مستقیم در آموزش رسمی می‌شود (همان: ۱۹۲). رسانه‌هایی چون فیلم چنین امکانی را فراهم می‌کنند، اما متأسفانه در کشور ما آموزش تاریخ مورد غفلت واقع شده است.

در تبیین ارتباط فیلم و تاریخ سه رویکرد اصلی وجود دارد: رویکرد اول فیلم را فقط صنعت و هنر و دستاورد فرهنگی قرن بیستم می‌داند. دومین رویکرد فیلم را به چشم یک متن و سند برای آموزش و معرفی رویدادهای تاریخی به جامعه‌ای که آن فیلم را تماشا می‌کند می‌نگرد و همین رویکرد به‌طور جدی فیلم را رسانه‌ای می‌داند که گذشته را در زمان حال عرضه می‌کند (Miskell, 2004: 245). اگر این تعریف را بپذیریم که هر گزارشی که به‌طور مستقیم بیانی از رویدادها باشد روایی است، فیلم مستند، که نوعی گزارش واقعیت است، نیز اثری روایی است. امروزه روایت شفاهی و تصویری درهم آمیخته شده و نمایش فیلم که هم‌زمان از دو عنصر بیان بصری و شفاهی استفاده می‌کند در آموزش تاریخ، به‌خصوص تاریخ اجتماعی و سیاسی، تاریخ هنر، و تاریخ طبیعی، کاربرد ویژه یافته است. با علم به این‌که هر گروه از رسانه‌های یاددهی ـ یادگیری بر هوش‌های خاصی تأکید می‌کنند و تنوع بهره‌گیری از رسانه‌ها در یادگیری به استفادهٔ هم‌زمان از هوش‌های مختلف در فراگیران می‌انجامد، در میان انواع رسانه‌ها، رسانه‌های دیداری که هم‌زمان بر هوش بینایی ـ فضایی و کلامی مخاطب اثر می‌گذارند و با نمایش تصاویر و پخش صدا جانشین تجربه‌های مستقیم و دست اول در موقعیت یادگیری می‌شوند در آموزش تاریخ باید مورد توجه خاص قرار گیرند (امیرتیموری، ۱۳۷۷: ۳۰). اگرچه استفاده از تجارب مستقیم در بسیاری از موقعیت‌های

یاددهی ـ یادگیری توصیه می‌شود، کسب این تجارب مستقیم در برخی موارد هرگز ممکن نیست؛ پس در چنین مواردی رسانه‌هایند که می‌توانند به یادگیری کمک کنند. فراگیران تاریخ با رویدادهای گذشته سروکار دارند و آن رویدادها در حال مستقیماً تجربه‌پذیر نیستند. پس بی‌تردید، عکس‌ها، فیلم‌ها، و صداهای ضبط‌شده به بازسازی گذشته کمک فراوان می‌کنند. عکس بازنمایی واقعیت و وجود خارجی است و از طریق تداعی شباهت به بازنمایی دست می‌یابد. عکس ثبت لحظهٔ وقوع است، درحالی‌که فیلم ثبت‌کنندهٔ وقایع در طول زمان و منعکس‌کنندهٔ تغییرات موضوع و محیط پیرامون موضوع در طول زمان است.

در جهان امروز، یکی از بهترین روایتگران رویدادهای تاریخی فیلم‌های مستند است. مستند از نظر لغوی به هر گونه گزارش و بازنمایی یا اجرا که نمادهای بصری یا کلامی را در ثبت منظم یک رویداد یا تدارک یک برهان به‌کار بندد اطلاق می‌شود (کیلبرن، ۱۳۸۵: ۳۲). *ثبت یک عطسه* ساختهٔ دیکسون در سال ۱۸۹٤ و *خروج کارگران از کارخانه* ساختهٔ برادران لومیر در سال ۱۸۹٤ که بدون واسطه و فقط از زاویهٔ دید دوربین با وفاداری بسیار به واقعیت رویدادی را به تماشاگران انتقال دادند اولین آثار مستند سینما محسوب می‌شوند. فیلم مستند یکی از انواع فیلم غیرتخیلی است. از نظر برخی محققان، فیلم‌های غیرتخیلی به دو دستهٔ عمدهٔ واقع‌گرا (factual) و مستند (documantary) تقسیم می‌شود. هر دو به خلق رویدادهای واقعی توجه دارند، ولی مستند دربردارندهٔ پیام است و محتوای فیلم از سبکی که فیلم براساس آن ساخته شده اهمیت بیشتری دارد، درحالی‌که فیلم واقع‌گرا فاقد پیام خاص است و حتی اگر پیامی هم در آن مستتر باشد اجزای دیگر فیلم را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر، فیلم مستند بر حقایق و عقاید مبتنی است، ولی فیلم واقع‌گرا فقط بر حقایق استوار است (بارسام، ۱۳٦۲: ۱۸).

پس از ساخت اولین آثار سینمای مستند، رفته‌رفته شخصیت‌ها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی محور تولید فیلم‌های مستند شدند و در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹٤۰ نه‌تنها در انگلستان و امریکا بلکه در هلند، آلمان، فرانسه، و بلژیک نیز آثار سینمایی مستند متعدد ساخته شد که مورد توجه قرار گرفت. با تکامل سینما و یافتن قواعد و اصول هنری و فنی آن، سینمای مستند نیز گسترش یافت. در دو دههٔ نخست، اکثر فیلم‌های مستند به همت کاوشگران، جهانگردان، دانشمندان، و ماجراجویانی که به ثبت ناشناخته‌ها علاقه‌مند بودند ساخته شد، ولی اندک‌اندک تا جنگ جهانی دوم تحولات بین‌المللی و رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی در اروپا و امریکا به تولید فیلم‌های مستند خبری انجامید. در روسیه نیز

پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ زمینهٔ مساعدی برای ظهور و بروز سینمای مستند خبری و مستند تبلیغاتی سیاسی فراهم آمد و سبک برخی هنرمندان روسی چون ژیگاورتوف در تکوین سینمای مستند شوروی و اروپا تأثیرگذار شد. در دوران جنگ جهانی دوم، بسیاری از فیلم‌های مستند تحت تأثیر عقاید فیلم‌سازان از مستند خبری به فیلم‌های تبلیغاتی سیاسی (پروپاگاندا) تبدیل شدند، اما همچنان در زمرهٔ منابع مطالعات تاریخی قرار دارند. انواع فیلم‌هایی که برای تحریک کشاورزان و کارگران به تولید بیشتر در جنگ ساخته شدند و یا فیلم‌هایی که از آمادگی سربازان و حضور آن‌ها در جبهه‌های نبرد تهیه می‌شد، اگرچه ابتدا با هدف ثبت اطلاعات تصویری در آرشیوها ساخته شدند، برخی از آن‌ها دارای ارزش‌های هنری یک اثر مستند هم بودند. در آلمان، هم‌زمان با قدرت‌گرفتن حزب نازی، همهٔ رسانه‌ها، از جمله سینما، در خدمت تبلیغات سیاسی قرار گرفتند. فیلم‌هایی چون «پیروزی اراده» به‌شدت مردم را تحت تأثیر قرار دادند. این هدف نهایی دستگاه تبلیغاتی حزب نازی به رهبری ژوزف گوبلز بود.

جان گریرسون انگلیسی، که او را پدر سینمای مستند خوانده‌اند، فیلم مستند را گزارش و تفسیر خلاق واقعیت می‌داند (46 :1979). در کنار این تعریف، پال روتا، همکار و هموطن گریرسون، فیلم مستند را فیلمی دانسته که «زندگی واقعی آدم‌ها را به نحوی خلاق با توجه به شرایط اجتماعی آن‌ها تصویر می‌کند» (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲٤۲). آکادمی هنرها و علوم سینمایی امریکا فیلم مستند را فیلمی می‌داند که موضوعات تاریخی ـ اجتماعی و علمی ـ اقتصادی را بررسی می‌کند و در این نوع فیلم اهمیت محتوای واقعی بیش از محتوای سرگرم‌کننده است (نفیسی، ۱۳۵۷: ۵). از نظر گریرسون، هنر مستند همچون هر هنری فقط تولید تفسیری است که به‌خوبی و عمیق صورت گرفته است. پس، از همان ابتدا، ورای جنبهٔ هنری فیلم مستند هدف بزرگ‌تری، یعنی آموزش، قرار داشته است (کالکر، ۱۳۸٤: ۲۳۵). در تعریفی دیگر، می‌توان گفت فیلم‌های مستند جملگی غیرتخیلی‌اند، اما همهٔ فیلم‌های غیرتخیلی مستند محسوب نمی‌شوند (بارسام، ۱۳٦۲: ۱۳). بسیاری از فیلم‌های داستانی بر پایهٔ اسناد و مدارک ساخته می‌شوند، ولی در تقسیم‌بندی فیلم‌های مستند قرار نمی‌گیرند (عادل، ۱۳۷۹: ۱٤).

فیلم مستند از چند جهت با فیلم داستانی تفاوت دارد:۱. تفاوت در هدف، ۲. تفاوت در نظرگاه‌ها و مسئولیت‌های تماشاگر، ۳. تفاوت در نحوهٔ تولید، ٤. تفاوت در نحوهٔ توزیع در جامعه، و ۵. تفاوت در ترکیب و رابطهٔ گروه تولید (نفیسی، ۱۳۵۷: ٦). از نگاه سازندهٔ فیلم

داستانی، مطابقت‌داشتن واقعیت فیلم با واقعیت خاصی در جهان خارج اهمیت چندانی ندارد، درحالی‌که تلاش سازندهٔ فیلم مستند برای نزدیک‌تر شدن به واقعیت مسئولیتی مهم است و در غیر این صورت، از اعتبار و مقبولیت فیلم مستند نزد مخاطبان کاسته خواهد شد. همچنین، باید گفت فیلم‌های مستند لزوماً دربردارندهٔ مفهومی اجتماعی و سیاسی‌اند و قطعاً حامل پیام‌اند. اهمیت پیام مستتر در فیلم مستند موجب می‌شود در مقایسه با دیگر فیلم‌ها محتوا در فیلم مستند بر سبک ساخت آن رجحان یابد. با توجه به پیام فیلم مستند، همواره انتظار می‌رفته است فیلم مستند بتواند در شناخت انسان از خود و محیط پیرامونش مؤثر واقع شود. به عبارت دیگر، فیلم مستند اغلب توضیح‌دهندهٔ چگونگی و چرایی پدیده‌هاست. به همین علت هم در افزایش سطح آگاهی مردم از فرهنگ و تاریخ سرزمین و جامعه‌شان نقش مهمی دارد (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲٤۲).

در تکوین سینمای مستند چند جریان نقش عمده داشته است:

۱. دوران تحولات اولیهٔ سینما؛

۲. دوران تحولات و جریان‌های فکری سیاسی ـ اجتماعی ملل در قرن بیستم؛

۳. دوران جمع‌آوری اطلاعات از گوشه و کنار جهان؛

٤. دوران اکتشافات مخازن و معادن و منابع زیرزمینی؛

۵. دوران شناخت فرهنگ‌ها و اقوام و ملل و بوم‌ها (عادل، ۱۳۷۹: ۱۸).

در آغاز ثبت رویدادها در فیلم مستند به‌صورت غریزی بود، ولی به‌تدریج از دوران جنگ جهانی اول و دوم فیلم‌برداران با هدف ثبت رویدادهای خاص به میدان آمدند. با گسترش علائق استعماری در جهان سوم، فیلم‌های مستند بسیاری برای ثبت جاذبه‌های تاریخی و طبیعی کشورهای گوناگون ساخته شد که حاوی اطلاعات اقتصادی، فرهنگی، و اقلیمی ارزشمندی بود و در سال‌های بعد در تحقیقات اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار گرفت. به‌طور کلی، می‌توان گفت در فیلم‌های مستندی که در این سال‌ها ساخته شدند فیلم‌برداری مستند یا هنگام وقوع حوادث صورت می‌گرفت و یا بعداً فیلم‌ساز واقعیت را به شیوه‌های گوناگون بازسازی می‌کرد. واقعیت در امتداد زمان به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱. واقعیت‌هایی که در گذشته بوده‌اند و از بین رفته‌اند، ولی ما با معلول‌ها و نمودهای آن‌ها در حال روبه‌روییم؛

۲. واقعیت‌هایی که در حال وجود دارند؛

۳. واقعیت‌هایی که استمرار می‌یابند و در آینده هم موجود خواهند بود (دهقان‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱).

واقعیتی که فیلم مستند با آن سروکار دارد هر سهٔ این‌هاست. اما شاید قسم اول بیشتر برای محققان تاریخ مفید واقع شود. هدف اصلی فیلم مستند شکار واقعیت ــ نشان‌دادن و بررسی پیشامدها و حوادث با حداقل دخالت در اصل واقعه ــ است. شاید بتوان گفت فیلم مستند، اگر هنگام وقوع فیلم‌برداری شود، سند تاریخی است و اگر بعداً بازسازی شود، روایت یا گزارش تاریخی محسوب می‌شود. به این ترتیب، در بیان اطلاعات تاریخی و انتقال آن به نسل حاضر یا مخاطبان، فیلم‌ساز نقشی چون تاریخ‌نگار یا راوی دارد.

> تاکنون بیشتر تقسیم‌بندی‌های فیلم مستند موضوعی یا مضمونی بوده است که این تقسیم‌بندی حد و مرزی ندارد؛ مانند مستند اجتماعی ـ تاریخی و بهداشتی. اما برخی محققان برای فیلم مستند تقسیم‌بندی ساختاری را کامل‌تر و بهتر می‌دانند (ضابطی جهرمی، ۱۳۸۷: ۲۴۳).

فیلم مستند از نظر شیوهٔ ساخت به گونه‌هایی چون مستند بازسازی، مستند نمایشی، مستند روایتی، مستند خبری، و مستند تألیفی تقسیم می‌شود (دهقان‌پور، ۱۳۸۲: ۱۲۰) که تقریباً همهٔ آن‌ها در آموزش تاریخ در سطوح مختلف و دربارهٔ موضوعات گوناگون (به تشخیص استاد) کاربرد دارد. با توجه به آن‌که از عمر اولین فیلم‌های مستند در جهان بیش از یکصد سال می‌گذرد، انبوهی از فیلم‌های مستندِ حاوی اطلاعاتی از تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی، تاریخ هنر، زندگی شخصیت‌ها، و تاریخ طبیعی در آرشیوها وجود دارد که متأسفانه در کشور ما کمتر در آموزش تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. نکتهٔ جالب آن است که ساخت اولین فیلم مستند در ایران نیز فقط پنج سال پس از اروپا اتفاق افتاد و از آن زمان تا کنون صدها فیلم مستند دربارهٔ تاریخ و مردم ایران ساخته شده است.

در هر حال، فیلم مستند، از هر گونه که باشد، با تصویرکردن سیمای مردمان در لحظه‌های گوناگون و ثبت رویدادهای تلخ و شیرین به مخاطب کمک می‌کند خود را به زمان و مکان وقوع آن رویدادها نزدیک‌تر کند.

فیلم‌ساز مستند در کار خود در جایگاه‌های مختلف مانند مبلّغ، ناظر، واقعه‌نگار، کاشف، گزارشگر، و توصیفگر قرار می‌گیرد. تصاویر مستند جنگ‌ها، رنج اسیران و آوارگان، جشن و شادی مردمان در پیروزی‌ها، و تلاش انسان‌ها در غلبه بر طبیعت برای هر بیننده‌ای حس در گذشته‌بودن را تداعی می‌کند. مخاطب فیلم مستند با دیدن تصاویر گوناگون بیش از

دیگران می‌تواند به زاویهٔ نگاه مردمان گذشته از رویدادهای تاریخی نزدیک شود. در واقع، آنچه اکنون برای ما رویداد تاریخی محسوب می‌شود برای مردمی که در زمان آن رویداد زیسته‌اند «حال واقع» بوده است. با دیدن تصاویر مستند، دیگر تاریخ مجموعهٔ اسامی و حوادث نوشته در کتاب‌های قطور نخواهد بود. افرادی که «دیده می‌شوند» بهتر «به خاطر سپرده می‌شوند» (پورشه، ۱۳٦٦: ۵۵). مخاطبان فیلم مستند تصاویر انسان‌ها را می‌بینند و صدای طبیعی مردان و زنان را که از خشم، حسادت، اندوه، و غرور سرشار است می‌شنوند. تصاویر یا صداهای مستند بیانگر افکار و عواطف و واقعیت‌هاست. در این‌جا فراگیران تاریخ از هوش بینایی بهرهٔ مضاعف می‌گیرند. مسلماً ماندگاری اطلاعاتی که از طریق حس بینایی هم دریافت شده‌اند طولانی‌تر از اطلاعاتی است که فقط از طریق کتاب یا شنیدن سخنرانی استاد به خاطر سپرده می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پایان این مقاله، با توجه به کلیاتی که ذکر شد، ضروری است به چند نکته در استفاده از فیلم مستند برای آموزش تأکید شود:

۱. استفاده از این‌گونه آثار نیازمند آشنایی اولیهٔ استادان تاریخ با انواع فیلم‌های مستند و تفاوت کاربرد هرگونه از این فیلم‌ها با توجه به ساختارشان برای گروه‌های سنی مختلف است. باید توجه داشت همهٔ فیلم‌هایی که امروز می‌توانند در کلاس‌های درس تاریخ مورد استفاده قرار گیرند در اصل با هدف آموزش ساخته نشده‌اند. در میان انواع فیلم‌های مستند، مستند خبری، روایتی، تألیفی، و نمایشی برای آموزش تاریخ مناسب‌ترند. همچنین، در انتخاب فیلم، علاوه بر موضوع، باید به تناسب ساختار فیلم با سن مخاطب نیز توجه کرد. مثلاً برای آموزش تاریخ به کودکان فیلم‌های مستند روایتی، که کلام راوی را به همراه تصویر دارند، مناسب نیست؛ زیرا موجب سلب تمرکز کودک بر تصویر می‌شود. همچنین، باید توجه داشت که، هرچه طیف تماشاگران وسیع‌تر باشد، جلب توجه آن‌ها سخت‌تر خواهد بود. تودهٔ تماشاگر بیشتر به کنش دراماتیک علاقه‌مند است تا به محتوا. در عوض، هرچه دامنهٔ مخاطبان محدودتر و خاص‌تر باشد، احتمال این‌که محتوا مورد توجه قرار گیرد بیشتر است (سواین و جون سواین، ۱۳۷۵: ۳۳).

۲. اگر فیلم مستندی که در آموزش تاریخ به‌کار می‌رود پس از زمان وقوع ساخته شده باشد، آشکار است که فیلم‌ساز از بین انبوه موضوعات تاریخی دست به انتخاب زده است و

فقط می‌کوشد آن رویداد را نشان دهد (پورشه، ۱۳٦٦: ۵۸) و به سیر کلی تاریخ نمی‌پردازد، درحالی‌که تاریخ‌نگار می‌تواند با بررسی و تحلیل انبوه اسناد و مدارک دو روی یک رویداد را روایت کند. پس فیلم مستند، از هر نوع که باشد، را به‌تنهایی نمی‌توان در آموزش دوره‌ای خاص از تاریخ به‌کار برد و نیازمند منابع تکمیلی است. موقعیت تدریس، به‌طور کلی، شامل چهار مرحلهٔ مقدمه‌چینی و ایجاد انگیزه، بیان و بسط مطلب، جمع‌بندی، و ارزش‌یابی است. بر این اساس، می‌توان گفت که فیلم‌های مستند در مرحلهٔ اول و دوم، یعنی ایجاد انگیزه، برای بیشتردانستن و بسط‌دادن و عمق‌بخشیدن و پایدارساختن مطالب آموزشی مفید است. فیلم مستند در کلاس درس می‌تواند ذهن فراگیران را درگیر پرسشی کند که پاسخ تکمیلی آن در کتاب‌های تاریخی است و دانش‌آموزان می‌توانند پس از دیدن فیلم، با استفاده از اطلاعات جنبی خود، به تحلیل آنچه دیده‌اند بپردازند (پورشه، ۱۳٦٦: ۵۹). در واقع، استفاده از فیلم در آموزش تاریخ مخاطب غیرفعال را به تعامل وامی‌دارد و او را به مخاطب فعال تبدیل می‌کند. طرح پرسش و تلاش برای یافتن پاسخ آن تفکر انتقادی را به فراگیران تاریخ می‌آموزد و اجازه می‌دهد آن‌ها به یک موضوع از زوایای مختلف نگاه کنند. این نکتهٔ مهم در آموزش سنتی تاریخ، که در آن از روش سخنرانی استفاده می‌شد، به‌دست نمی‌آید و یا به‌دشواری در دسترس است.

۳. می‌توان فیلم مستند را گزارش تاریخی دانست. فیلم‌ساز مستند مانند تاریخ‌نگار رویدادی تاریخی را روایت می‌کند یا به عبارت دیگر، گزارشی روایی از کنش انسان‌ها را در زمان و مکان دیگری به کمک تصاویر نمایش می‌دهد. پس لازم است در تحلیل فیلم مستند همچون اثر مکتوب تاریخی دیدگاه‌های خاص سازنده را در نظر داشت.

٤. فیلم مستند فقط با هدف گزارش اطلاعات دربارهٔ موضوع ساخته نمی‌شود، بلکه هدف غایی آن، به‌خصوص در مستند نمایشی و تألیفی و خبری، تغییردادن احساس و نگرش مخاطب به موضوع است. مستند بیشتر تلاش می‌کند تأثیری قوی از خود به‌جا بگذارد؛ بنابراین، همچون مطالعهٔ اثر تاریخی، هنگام دیدن فیلم مستند نیز مخاطبان واکنش‌های متفاوت نشان می‌دهند که البته همیشه با نظر فیلم‌ساز هماهنگ نیست (نفیسی، ۱۳۵۷: ۷۹). معنای تصاویر برای بیننده ارتباط مستقیم با تجربه و شناخت قبلی او دارد. پس، همان‌طور که گامبریج می‌گوید، تصاویر فقط بازنمودن صرف «واقعیت» نیستند، بلکه نظامی نمادین‌اند که به رمزگشایی نیاز دارند (اولسون، ۱۳۷۷: ۳۳۲).

۵. فیلم درک سه‌بعدی را به مخاطب می‌دهد، درحالی‌که کتاب‌های تاریخی و حتی

عکس‌های تاریخی فاقد این ویژگی‌اند. ابعاد گوناگون یک مکان و یا شیء با حرکت دوربین در زوایای مختلف به‌دست می‌آید، به‌گونه‌ای که حتی دقیق‌ترین توصیفات شفاهی استادان تاریخ و باستان‌شناسی در این کار مؤثر نیست. بنابراین، در اکثر دروس تاریخ و باستان‌شناسی فیلم مستند کاربرد دارد.

منابع

احدیان، محمد (۱۳۸۲). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*، تهران: نشر تبلیغ بشری.

امیرتیموری، محمدحسن (۱۳۷۷). *رسانه‌های یاددهی و یادگیری*، شیراز: ساسان.

اولسون، دیوید (۱۳۷۷). *رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان ارتباط و آموزش*، ترجمهٔ محبوبه مهاجر، تهران: سروش.

بارسام، ریچارد میران (۱۳٦۲). *سینمای مستند*، ترجمهٔ مصطفی پاریزی، تهران: نشر خوشه.

پورشه، لوئی (۱۳٦٦). *به‌سوی آموزش شنیداری ـ دیداری*، ترجمهٔ پیروز سیار، تهران: سروش.

دهقان‌پور، حمید (۱۳۸۲). *سینمای مستند ایران و جهان*، تهران: سمت.

شعبانی، حسن (۱۳۸۲). *مهارت‌های آموزشی و پژوهشی*، تهران: سمت.

ضابطی جهرمی، احمد (۱۳۸۷). *سی سال سینما*، تهران: نشر نی.

عادل، شهاب‌الدین (۱۳۷۹). *سینمای قوم‌پژوهی*، تهران: سروش.

کالکر، رابرت (۱۳۸٤). *فیلم، فرم، و فرهنگ*، ترجمهٔ بابک تبرایی، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

کلیبرن، ریچارد و جان آیزوود (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر مستند تلویزیونی*، ترجمهٔ محمد تهامی‌نژاد، تهران: ادارهٔ کل پژوهش‌های سیما.

سواین، دوایت و جون (۱۳۷۵). *فیلم‌نامه‌نویسی برای فیلم‌های مستند*، ترجمهٔ محمد شهبا، تهران: پارت.

نفیسی، حمید (۱۳۵۷). *فیلم مستند*، تهران: دانشگاه آزاد ایران.

Hardy, Forsyth (1979). *Grierson On Documentary*; London and Boston: Faber and Faber.

Miksell, Peter (2004). *Making History*: *An Introduction to the History and Practices of a Discipline*, edited by Peter Lambert and Philipp Schefield, Rotlege.

than direct education. Also the regulative roles can be played via different programs like developing social networks among audiences.

Keywords: Mass Media, Television, Entrepreneurial Culture, Cultural Development, Economic Programs.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی